

کیپی‌فام

بررسی حیات انقلاب اسلامی در آنسوی مرزهای جمهوری اسلامی

گفتاری از:

حجت‌الاسلام علی اکبر براتی،
حجت‌الاسلام محمد علی
نوازخوان و آقای سید
سربازروح الله رضوی



تصویر جوان پوستیایی که در
تقلید از انقلاب ایران،
پیشانی بند الله اکبر به
سر خود بسته است.
شهید آوینی درباره عکس
می‌گفت: این جهاد الله اکبر،
تهاجم فرهنگی ما به غرب
است، آنها دارند دفاع می‌کنند
در مقابل تهاجم ما.



کتابخانه مجلس شورای اسلامی و انتشارات

وحدت اسلامی

صفحه ۲۱

وحدت اسلامی ۵

بررسی حیات انقلاب اسلامی در آن سوی مرزهای جمهوری اسلامی، بهار ۱۳۹۵
سومین همایش هیأت های محوری و برگزیده کشور، زمان: مهرماه ۱۳۹۳، مکان: قم- جمکران
گفتاری از: گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر براتی، حجت الاسلام محمدعلی نوازخوان،
آقای سید سرباز روح الله رضوی

ویرایش: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

صفحه‌آرا: حسن ناصر

طراح جلد: سید مجتبی نبی‌زاده

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱

کد پستی: ۳۷۱۶۶ - ۳۷۱۵۱

سامانه پیامک: ۳۰۰۰ ۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org

بسم رب العرش العظيم

اشاره

یکی از نقاط مهم و حساس در طول چهاردهه گذشته از انقلاب اسلامی، صدور انقلاب به سایر ملت‌های مستضعف جهان است. اهمیت این موضوع به نحوی است که در طول سال‌های گذشته بارها شاهد این بودیم که نه تنها شیعیان سایر کشورها از انقلاب اسلامی و ملت ایران الگو گرفته‌اند بلکه سایر مسلمانان و حتی سایر مستضعفانی که مسلمان هم نیستند انقلاب اسلامی را الگوی خود قرار داده‌اند.

برای اینکه هر چه بهتر بتوانیم در عرصه صدور انقلاب خدمت‌رسانی کنیم و با آسیب‌هایی که ممکن است در این زمینه برای هیأت‌های عزاداری به وجود بیاید مقابله کنیم، از حجت الاسلام برای کارشناس خبره این موضوع به همراه دو نفر از مسلمانان کشورهای بنگلادش و هندوستان دعوت شد که به سومین همایش هیأت‌های محوری کشور بیایند و تجربیات خود را در این زمینه‌ها در اختیار هیأت‌های سراسر کشور قرار دهند.

انقلاب ایران، زنگ خطری برای غرب

حجت الاسلام علی اکبر براتی: محضر مبارک خادم‌ان ابا عبدالله رضی الله عنه، فرماندهان و افسران لشکر ولی امر مسلمین جهان در جنگ نرم تحمیلی، مسئولین هیأت‌ها و مداحان و خطباء محترم عرض سلام و احترام دارم و از این‌که افتخار حضور در جمع‌تان را دارم، بر خود می‌بالم. فیلمی را که عزیزان مشاهده کردند، مربوط به کشمیر سال ۲۰۱۲ است، اما رنگ و بوی مردم و اشتیاق آنها به انقلاب اسلامی یادآور ایران ۱۳۵۷ است. افرادی که در مصاحبه‌ها شرکت داشتند و از ولایت فقیه و شهید چمران صحبت می‌کردند، استاد دانشگاه، افسران پلیس هندوستان و صاحب رسانه، روزنامه‌نگار، تحلیل‌گر و نویسنده بودند. آن پیرمردی که داشت برای سلامتی مقام معظم رهبری با زبان فارسی از مردم شعار می‌گرفت، مدرک پی‌اچ‌دی دارد.

آقای فرانسوا میتران در ۲۳ بهمن سال ۱۳۵۷، در حالی که رهبر حزب سوسیالیست فرانسه بود، مقاله‌ای می‌نویسد و اعلام می‌کند که آنچه در ایران اتفاق افتاده است، زنگ خطری برای جهان غرب است و انقلاب‌هایی نظیر انقلاب ایران به واسطه آن که ریشه دینی و مذهبی دارند، اگر جدی گرفته نشوند به زودی همه منطقه را فرا می‌گیرند؛ بنابراین، باید از همین حالا برای مهار آن چاره‌های اندیشید. همین آقای میتران وقتی که یک دهه

بعد به ریاست جمهوری فرانسه می‌رسد، می‌گوید برای کنترل ایران باید موشک‌ها و بمب‌هایی از دامن و لباس بر روی ایرانیان ریخت. بعضی وقت‌ها آدم دوست دارد به دشمنانش آفرین بگوید. کسی مثل میتران ماهیت انقلاب اسلامی را خوب شناخته بود، ولی در کشور ما هنوز سیاست‌گذاران و مسئولینی هستند که همین مقدار از درک را از انقلاب اسلامی پیدا نکرده‌اند.

مقدمه را خیلی طولانی نکنم. من علی اکبر براتی، دبیر «مجمع فعالین مردمی جبهه جهانی انقلاب اسلامی» هستم. نام خیلی طولانی شد؛ خلاصه‌اش این است که مجموعه‌ای از هم‌فکرها و هم‌سنگرهای شما که این آتش را امام علیه السلام به جان آنها انداخته است که نباید انقلاب را در مرزهای ایران محدود و محصور کرد، دارند در کشور فعالیت‌های بین‌المللی می‌کنند. این افتخار را دارم که در حضور دو مهمان ارجمند «حجت الاسلام محمدعلی نوازخوان» از کشور بنگلادش و جناب آقای «سید سرباز روح الله رضوی» از کشمیر هستیم. امروز طی گفت‌وگوهایی که خواهیم داشت، درباره تأثیراتی که انقلاب اسلامی بر جهان و به ویژه بر جهان اسلام داشته، سخن خواهیم گفت. ابتدا مقداری با مهمانانمان آشنا می‌شویم.



انقلاب و امام عظیمی به آن انسان ملت و جماعتی است که پای حرفشان بايستند و نگذارند پرچمی را که آن‌ها بلند کرده‌اند توفان‌ها از بین ببرد و بپولادند.

امام حسین، این پرچم را محکم دکه داشت و تا پای شهادت عزیزان و اسارت جرم برقیقت ایستاد.

محدثان امام حسین علیه السلام

جایگاه شیعیان در بنگلادش

حجت الاسلام محمدعلی نوازخوان: بنده «محمدعلی نوازخوان» از کشور بنگلادش هستم. حدود ۲۰ سال پیش وارد حوزه علمیه قم شدم. بنگلادش در شرق شبه قاره هند قرار دارد و دارای صد و شصت میلیون جمعیت است که نود درصد آنها مسلمان هستند و بقیه هندو، مسیحی و بودایی هستند. شیعیان دوازده امامی بنگلادش حداکثر سی هزار نفر هستند. متأسفانه این منطقه تاریخچه بدی داشته است. بعد از فروپاشی حکومت مغول‌ها، تمام جریان‌های دینی و مذهبی، چه شیعه و چه سنی، طی دویست سال استعمار بریتانیا ریشه کن شدند. در این دویست سال، شیعیان بنگلادش یا قسمت بنگال غرب هندوستان اصلاً روحانی نداشتند. طی این مدت طولانی چند نسل به لحاظ معرفتی و اعتقادی از بین رفتند، و گر نه شمار شیعیان بنگلادش در گذشته بسیار زیاد بود و هنوز هم آثار آنها مثل حسینیه‌های بزرگ و زمین‌های وقف شده برای شیعیان در مناطق مختلف کشور دیده می‌شود. ولی امروز شیعیان اصلاً حضور چشم‌گیری در بنگلادش ندارند.

روح الله رضوی: من متولد کشمیر هند هستم و از سال ۶۳ در ایران زندگی می‌کنم. یک دوره در اینجا درس خواندم و اخیراً هم طلبه شده‌ام.

حجت الاسلام علی اکبر براتی: آقا روح الله! بعضی در ایران وقتی می‌خواهند انقلاب را تعریف کنند یک تعریف ایرانی از آن ارائه می‌دهند؛ در عبارات بعضی از مسئولین هم می‌بینیم که از تعبیر «انقلاب اسلامی ایران» استفاده می‌کنند. شما به عنوان فردی که خارج از این مرزها به این انقلاب دل‌بستگی دارید، فکر می‌کنید تعبیری از این دست چقدر جدی و ریشه‌دار است؟ به نظر شما اگر با این ادبیات صحبت کنیم، چقدر در دنیا مشتری پیدا می‌کنیم؟



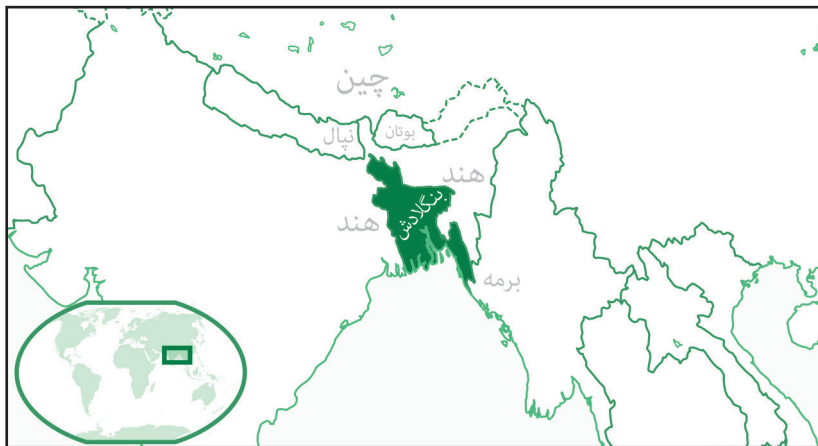
ماهیت فرامرزی انقلاب اسلامی

روح الله رضوی: به نظرم می‌آید که اگر برگردیم به اتفاقی که در سال ۱۹۷۹ میلادی یا ۱۳۵۷ هجری شمسی رخ داد و نگاهی به ماهیت آنچه که تحت عنوان «انقلاب اسلامی» شناخته می‌شود، بیندازیم، خیلی واضح و روشن خواهد بود که واقعاً انقلاب اسلامی از نظر مبنایی و محتوایی فرامرزی است؛ چون شعارهایی را که مطرح کرده بود شعارهایی نبود که محدود به مرز و جغرافیایی خاصی باشد. هر چند شاید در حیطه عمل و تحقق عینی‌اش، نظامی سیاسی تحت عنوان «جمهوری اسلامی ایران» به دنبال آن شکل گرفت، اما آرمان و اندیشه انقلاب به این مرزها محدود نبود. استادی مثال می‌زد و می‌گفت که اگر بپذیریم که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ایدئولوژیک و انقلابی است که به دنبال تحقق یک سلسله آرمان‌ها در سطح جهان بود، آن وقت باید بین حفظ و تقویت بخشی این انقلاب با حفظ یک اتفاق سیاسی که محدود به یک مرز معین و جغرافیایی خاص است، فرق قائل شویم. بعضی از دوستان تشبیه می‌کنند و می‌گویند ایدئولوژی از جنس تکنولوژی نیست؛ قوت ایدئولوژی به نشر و گسترش آن است؛ برخلاف تکنولوژی که قوتش در حصر است. تکنولوژی وقتی محدود شود، قدرت‌آفرین می‌شود؛ مثلاً اگر تکنولوژی هسته‌ای در اختیار دو یا سه کشور باشد قدرت‌آور است، ولی

وقتی در اختیار همه باشد، این طور نیست. اما نقطه مقابلش تفکر و ایدئولوژی است. اگر انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ایدئولوژیک است که ما اعتقاد داریم هست، وقتی به دنبال تقویتش هستیم، به ناچار باید منتشرش کنیم. اگر تفکر مارکسیسم هشتاد سال عمر می‌کند، به خاطر این است که از مرزهای شوروی فراتر می‌رود و نصف دنیا را می‌گیرد؛ تا آمریکای جنوبی می‌رود، نصف منطقه شرق اروپا را اشغال می‌کند و حتی تا خود ایران هم جلو می‌آید. یعنی سنگرهایش را خیلی فراتر از مرزهای جغرافیایی‌اش می‌گذارد. کسانی که دانسته یا ندانسته چنین تعبیری را به کار می‌برند، عملاً دارند انقلاب را آسیب‌پذیر و پایه‌های آن را سست می‌کنند؛ چرا که انقلاب هر چقدر محدود شود، مطمئن باشیم که آسیب‌پذیری‌اش بیشتر خواهد شد.

حجت الاسلام علی‌اکبر براتی: من هم از صحبت‌های شما یاد جمله حضرت امام علیه السلام افتادم که فرمودند: «ما باید در صدور انقلاب‌مان به جهان کوشش کنیم و تفکر این که ما انقلاب‌مان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم»^۱. کنار گذاشتن صدور انقلاب مساوی است با محدود شدن ما و همان طور که ایشان اشاره فرمودند، موفقیت ایدئولوژی به انتشار آن است. امروز هم جنس صدور انقلاب اسلامی، همان طور که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید از جنس کودتای نظامی و کارهایی از این دست نیست، بلکه انقلاب اسلامی مانند یک عطر است؛ به تعبیر ایشان «امام در این عطر را باز کرده و این عطر دل‌انگیز انقلاب دارد در جهان منتشر و استشمام می‌شود». حال آقای نوازخوان برای ما بگویند که این عطر و بوی انقلاب در بنگلادش چه کرده است؟

۱. صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۱۲، ص ۲۰۲، توصیه‌های سیزده گانه به مسلمانان، ۱ فروردین ۱۳۵۹.



تأثیرات انقلاب اسلامی در بنگلادش

حجت الاسلام محمدعلی نواز خوان: ما معمولاً وقتی با دوستان صحبت می‌کنیم یک نکته را بحث می‌کنیم؛ این که اصلاً در جهان چند نفر شیعه هستند؟ در جواب این سؤال چند دایره ترسیم می‌کنیم. یکی از این دایره‌ها مربوط به شیعه واقعی است که شاید هنوز به سیصد و سیزده نفر نرسیده است. یکی دیگر از این دایره‌ها مربوط به شیعه اعتقادی است که نزدیک به دویست و پنجاه تا سیصد میلیون هستند. بعد یک دایره بزرگ‌تر ترسیم می‌کنیم که مربوط به «شیعه سیاسی» است. «شیعه سیاسی» نشان‌دهنده تأثیر انقلاب اسلامی و اندیشه حضرت امام علیه السلام در جهان است که دایره‌اش خیلی گسترده و بزرگ است.

قبل از انقلاب اسلامی، شیعیان بومی بنگلادش شاید در حد سه تا چهار هزار نفر بودیم. اما بعد از انقلاب اسلامی و تحت تأثیر اندیشه‌های امام علیه السلام نزدیک به بیست و پنج هزار نفر شیعه شدند. علاوه بر این، در دانشگاه‌ها یک تغییر اساسی به وجود آمد. یکی از بزرگ‌ترین احزاب اسلامی بنگلادش به نام حزب «جماعت اسلامی» است. این حزب یک شاخه دانشجویی دارد که مثل بسیج دانشجویی در ایران خیلی فعال است. اخیراً جریان بزرگی از این شاخه دانشجویی شیعه شدند. ما سال گذشته با همکاری بعضی از دوستان در قم، یک اردوی

علمی _ فرهنگی برای پزشکان بنگلادش برگزار کردیم. چند نفر از پزشکان و دوستان جوان ما که ده، دوازده نفر بودند، از رؤسای همان جریان دانشجویی حزب جهاد اسلامی بودند که شیعه شده بودند. پس در لایه‌های مختلف دانشگاه شاهد چنین تغییر و تحولی تحت تأثیر افکار حضرت امام علیه السلام هستیم.

در زمان حیات حضرت امام علیه السلام یکی از روحانیون بزرگ بنگلادش به نام «حفیض» به حضور ایشان شرفیاب شدند. ایشان قبل از ملاقات با امام معتقد بود که سیاست از دیانت جدا است، اما بعد از ملاقات با امام، وقتی به بنگلادش برگشت، اعلام کرد که ما باید توبه کنیم و در عرصه سیاست فعالیت نماییم.

صدا و سیمای ایران، یک بخش برون مرزی دارد که به زبان بنگلادشی هم برنامه پخش می‌کند. این شبکه به نوبه خود در نشر افکار و اندیشه‌های امام علیه السلام آن قدر تأثیر داشته که آن طور که من خبر دارم بیشترین شنونده در میان شبکه‌های برون مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مربوط به همین شبکه بنگلادش است. امروز جریان‌های دینی بنگلادش تحت تأثیر انقلاب اسلامی می‌خواهند یک حکومت اسلامی داشته باشند و دارند با دولت می‌جنگند و کشته می‌دهند. حال در اینجا شاید جای طرح این بحث نباشد که اخیراً هزاران نفر طی همین اعتراضات کشته شدند، ولی شبکه‌های رسانه‌ای دنیا از کنار آن گذشتند و حتی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران درباره این حادثه خبری پخش نشد. این همان بیداری جهان اسلام بر اثر اندیشه‌های حضرت امام علیه السلام است که در بنگلادش، همانند کشورهای دیگر، در حال رخ دادن است.

حجت الاسلام علی اکبر براتی: آقای رضوی! لطفاً کمی از تأثیرات انقلاب اسلامی در کشمیر بگویید تا ببینیم انقلاب اسلامی در کشمیر و هند چه تأثیری داشته است؟





تأثیرات انقلاب اسلامی بر جهان اسلام

روح الله رضوی: واقعا اتفاقی که در زمان انقلاب افتاد، مثل یک زلزله بود. شما این تعبیر را زیاد شنیده‌اید و برای تان تکراری است، اما برای کسی از نزدیک این امر را لمس می‌کند، مفهوم متفاوتی دارد. من در خلال چهار، پنج سال اخیر سفرهای زیادی به نقاط مختلف دنیا داشته‌ام؛ از کشمیر که محل تولد خودم است گرفته تا جاهای دیگر؛ در خلال این سفرها پای صحبت آدم‌های انقلابی زیادی نشسته‌ام. دیدم که دنیا واقعا متحول شده است. شاید باید این زمان سی ساله می‌گذشت و اتفاقاتی که در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در حال وقوع است، رخ می‌داد تا ما می‌فهمیدیم که انقلاب چه معنا و چه مفهومی داشت و چه چیزی را تکان داد. شما مشاهده می‌کنید که در کل فضای جهان اسلام از دهه شصت، هفتاد میلادی به این طرف جریانات ناسیونالیستی رشد زیادی کردند؛ از کشور مصر به رهبری جمال عبد الناصر بگیریم تا کشور الجزایر و منطقه کشمیر؛ یعنی امت اسلامی در آن دوره به این نتیجه رسیده بود که راه حل مشکلات سیاسی _ اجتماعی اش «ملی‌گرایی» است. اما آن چیزی که مسیر حرکت امت اسلامی را عوض کرد و امت اسلامی را دوباره به سمت اسلام برگرداند، به اذعان همه کارشناسان و تحلیل‌گران اتفاقی بود که در سال ۱۹۷۹ در ایران رخ داد. شما



دقیقاً اگر حرکت‌های آزادی‌خواهانه یا استقلال طلبانه در کل کشورهای اسلامی را دنبال کنید، می‌بینید که این حرکت‌ها از دهه هشتاد کاملاً متحول می‌شوند.
من ذیل این بحث به کشمیر هم اشاره می‌کنم. مثلاً شما در مسئله فلسطین مشاهده می‌کنید که سازمان آزادی‌بخش فلسطین با یک نگاه کاملاً ملی‌گرایانه با اسرائیل وارد جنگ می‌شود، ولی در دهه هشتاد جنبش جهاد اسلامی و حماس شکل می‌گیرند که ماهیتی کاملاً اسلامی دارند؛ یعنی دقیقاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران. همین اتفاق در مصر و الجزایر هم می‌افتد و امید جدیدی به وجود می‌آورد.

تأثیرات انقلاب اسلامی در کشمیر

همین اتفاق در شبه قاره هند هم تکرار می‌شود. مستحضرید که کشمیری‌ها از ۱۹۴۷ به این طرف مبارزات استقلال طلبانه‌ای با دولت هند داشتند. این جریان دقیقاً در خلال سه، چهار دهه ماهیتی ناسیونالیستی داشت. اما به فاصله چند ماه بعد از انقلاب اسلامی ایران، جریان‌های سیاسی - اجتماعی کشمیر به یک‌باره رنگ و بوی اسلامی می‌گیرند. شیعه و سنی به یاد این می‌افتند که اسلام راه حل است و اگر به مبانی اسلامی خودمان رجوع کنیم، می‌توانیم دنیا را متحول کنیم. این اتفاق دقیقاً در کشمیر قابل مشاهده است.

جناب آقای نوازخوآن به شاخه دانشجویی جماعت اسلامی اشاره کردند. در کشمیر هم یک جریان اسلام‌گرای اهل سنت وجود دارد که این جریان نگاه‌های معتدل‌گرایانه به شکل عام داشت. فردی به نام «شیخ تجمل اسلام» مسئول شاخه دانشجویی آن بود. ایشان در سال ۱۹۸۴ یا ۱۹۸۵، یعنی به فاصله چهار، پنج سال بعد از انقلاب اسلامی، طی یک مصاحبه مطبوعاتی علناً اظهار کرد که ما راه حلی جز این نداریم که انقلابی اسلامی مانند آنچه که در جمهوری اسلامی ایران رخ داده را در کشمیر داشته باشیم. به دنبال این مصاحبه ایشان را دستگیر و شکنجه می‌کنند، اما او در نهایت به پاکستان فرار می‌کند و هم‌اکنون در آنجا فعال است. ایشان سال‌ها بعد به منزل ما در تهران آمد. سر نماز ظهر گفت: می‌خواهم نماز بخوانم. من سجاده را سریع پهن کردم

و چون می دانستیم که اهل تسنن است، برای او مهر نگذاشتیم. گفت: یک مهر برای من بیاور. گفتم: شما مهر برای چه می خواهید؟ گفت: از زمانی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، به احترام امام خمینی علیه السلام، هر وقت که پا به ایران می گذارم دست‌هایم را آزاد می گذارم و مهر می گذارم. مستحضر هستید که از نظر اهل سنت، دست بسته نماز خواندن مستحب است؛ یعنی اگر دست باز هم نماز بخوانند مشکلی ندارد. این که پیشانی روی خاک بگذارند هم مستحب است؛ یعنی برای ایشان وجوب ندارد.

این تعبیر «شیعه سیاسی» که آقای نوازخوان داشتند، نمونه‌اش را بارها و بارها در کشمیر دیده‌ام. فضا در کشمیر به گونه‌ای است که هیچ کس، نه شیعه، نه سنی، جرأت نمی‌کند علیه حضرت امام علیه السلام یا رهبر معظم انقلاب یا حتی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی که امکان دارد نقدی هم بر آن وارد باشد، صحبت کند!

حجت الاسلام علی اکبر براتی: در آنجا چقدر آزادی عمل وجود دارد؟

روح الله رضوی: اینهایی که دارم می‌گویم در شرایطی است که از ۱۹۸۸ به این طرف، کشمیر به تعبیر برخی بالاترین آمار حضور نظامی‌های غیر بومی را در جهان دارد. جمعیتی معادل هفتصد هزار نیروی تا بن دندان مسلح را به کشمیر ده، دوازده میلیونی فرستاده‌اند؛ یعنی به ازای هر ده، دوازده نفر یک نیروی نظامی در کشمیر وجود دارد. یعنی چیزی به نام آزادی وجود ندارد و تظاهرات را با گلوله‌های جنگی جواب می‌دهند. وقتی می‌گویند حکومت نظامی است، یعنی سر هر کوچه و خیابان سیم خاردار وجود دارد و از گلوله جنگی علیه افراد استفاده می‌شود. به همین دلیل، برای کشمیری‌ها صدای انفجار و بمب و گاز اشک‌آور و کشته شدن آدم‌ها اصلاً چیز عجیبی نیست. در چنین فضای سیاسی، اینچنین عشق و علاقه و محبتی نسبت به انقلاب در شیعه و سنی وجود دارد.

به نظر من عده‌ای در ابتدای انقلاب، دانسته یا ندانسته، خواستند انقلاب را به ایران و تشیع محدود کنند؛ حال که این‌طور نبود. حتی به زعم بنده با توجه به تعبیری که از حضرت امام علیه السلام سراغ دارم، آرمان‌ها و دغدغه‌هایی که انقلاب بر مبنای آنها شکل گرفت، دغدغه‌های مشترک مسلمانان و غیر مسلمانان بودند. پدرم تعریف می‌کند که در دوره‌ای مترجم هیئت‌هایی بودند که از شبه قاره هند به ایران می‌آمدند. در یکی از این هیئت‌ها یک پروفسور هندی بود که او را به سخنرانی امام علیه السلام بردند. ایشان تعریف می‌کرد که یک دفعه وسط دبدار دیدم

که این پروفیسور دارد گریه می کند. بعد از جلسه به او گفتم: ببخشید! شما مگر فارسی می فهمید که گریه می کردید؟ گفت: فلانی! امروز حجاب زبان از جلوی چشمان من برداشته شد و این مرد مقدس را برای اولین بار دیدم. ما بعضی وقتها ندانسته خواستیم خودمان را محدود کنیم. مخاطب پیام انقلاب ما انسانیت بود. از این خاطرات زیاد است. رسم است که هندوها هر روز صبح پرده روی مجسمه بتشان را کنار می کشند و به آن آبی می زنند و تمیزش می کنند و به اصطلاح تبرک می کنند. شخصی تعریف می کرد که ما رفتیم هند و دیدیم فردی کنار این مجسمه عکس امام علیه السلام را گذاشته است. گفتیم: این چیست که اینجا گذاشتی؟ گفت: کسی که جلوی ابرقدرت شرق و غرب بایستد و خم نشود، باید خدا باشد. تعبیرش اشتباه بود، اما حقیقتی را می فهمید که بعضی وقتها ما نگذاشتیم به گوش دیگران برسد.

حجت الاسلام علی اکبر براتی: یکی از دیپلمات‌های ما تعریف می کرد که در تابستان گرمی در استرالیا که فاصله شهرها و روستاها خیلی زیاد است، ماشین مان جوش آورد و کنار جاده ماندیم. بعد از یکی، دو ساعت از دور دیدیم یک زن و مرد پیر دارند لنگ لنگان می آیند. به ما که رسیدند تقاضا کردیم اگر آبی دارند، بدهند تا در رادیات ماشین بریزیم. وقتی می خواستند قمقمه آبشان را بیاورند، چشمشان به یک تصویر کوچک از امام افتاد که پشت شیشه ماشین مان چسبانده بودیم؛ دو تایی آمدند و شیشه را با دست پاک کردند و بوسیدند! از آنها پرسیدیم: مگر شما شیعه هستید؟ گفتند: نه، ما مسیحی هستیم. گفتم: ایشان را از کجا می شناسید؟ گفتند: یک بار تلویزیون داشت از این مرد گزارشی پخش می کرد و او می گفت که ما شریک غم همه مستضعفان عالم هستیم. منتظریم تا انقلاب خمینی به اینجا برسد و حق ما را از اربابان بگیرد.

یک وقت یک صدایی، یک عطری، یک عکسی از امام در دنیا پخش می شود و تأثیر خودش را می گذارد. حالا اینها را بلذت گوش می دهید، بعد علیه‌تان در دادگاه استفاده خواهد شد. وقتی که از شما بپرسند روحانی عزیز! مداح گرامی! سرداران و افسران جنگ نرم! شما در این فرآیند چه کردید؛ شما برای رساندن پیام انقلاب به دنیا چقدر مسلم زمان تان بودید؟
حاج آقای نوازخوان! شما از تأثیرات انقلاب اسلامی گفتید؛ از فعالیت‌های خودتان در بنگلادش هم بگویید.

فعالیت‌های شیعیان در بنگلادش

حجت الاسلام محمدعلی نوازخوان: قبل از این که پاسخ سؤال شما را بدهم، خاطره‌ای از حضرت امام علیه السلام دارم که برای این جمع عرض می‌کنم. خود من وقتی این خاطره در ذهنم تداعی می‌شود، لذت می‌برم. من در ایام تبلیغی محرم سفری به کشورم داشتم. پزشکی مطبی در آنجا دایر کرده بود و روی تابلویش به سابقه فعالیت در بیمارستان ولی عصر علیه السلام همدان اشاره کرده بود. چون ایشان در ایران بود، تصمیم گرفتم به او سری بزنم. صحبت‌های مختلفی با او داشتیم، ولی در بخشی از صحبت‌هایمان او پرسید: آیا فیلمی از حضرت امام علیه السلام نداری؟ گفتم: چطور؟ گفت: خانمم خیلی امام را دوست دارد. بعد تعریف کرد که وقتی در ایران بودند، همسرش همیشه سعی می‌کرد قبل از خواب یک صفحه از قرآن را بخواند. یک شب خواب حضرت امام علیه السلام را می‌بیند که در بهشت است و از بهشت دارد به مسئولین پیام می‌فرستد که چگونه کشور را هدایت بکنند. این خواب باعث می‌شود که این خانم شیفته امام علیه السلام شود. من هم فیلمی از نماز امام علیه السلام وقتی در بیمارستان بودند، داشتم که آن را به خانه این پزشک بردم. خانواده ایشان که فیلم را دید زار زار گریه کرد و تحت تأثیر آن رسماً شیعه شد. او که شیعه شد، روز بعد همسرش در مطب به من گفت: من هم می‌دانم خلفاء به اهل بیت علیهم السلام ستم کردند؛ لطفاً

راه را به من نشان دهید. در نهایت این آقا هم شیعه شد.

موقع برگشتن به ایران این خانواده را دعوت کردم و ارتباطی برقرار شد و الآن توانسته‌ایم تعداد زیادی از طلاب و روحانیون را در اینجا جمع کنیم. جالب است بدانید که دو، سه نفر از این افراد پزشک هستند و در مطب خود فعالیت دینی انجام می‌دهند و چند صد نفر از همین طریق شیعه شده‌اند. یکی از خیرینی که در فعالیت‌های مان به ما کمک می‌کند نیز همین پزشک و خانواده‌اش هستند.

آقای براتی فرمودند از فعالیت‌ها بگویید. ما چون دیدیم زمینه فرهنگی اهل بیت علیهم‌السلام در کشور بنگلادش زیاد است، اقدام به یک سلسله کارهای فرهنگی کردیم. ورود اسلام در بنگلادش توسط عرفا و صوفیانی بوده است که اینها یا شیعه بودند یا صد در صد محب اهل بیت علیهم‌السلام و الآن که بیش از هزار سال از ورود اسلام به بنگلادش می‌گذرد، هنوز خیلی از عناصر فرهنگی که رنگ و بوی شیعی دارد در بنگلادش وجود دارند؛ مثل جشن نیمه شعبان. این جشن مخصوص شیعیان است، ولی همه مسلمانان بنگلادش اعتقاد دارند که ثواب احیای این شب و دعا در آن، مثل احیا و دعا در شب قدر است. روز عاشورا در بنگلادش تعطیلی رسمی است و از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برنامه‌های مخصوص پخش می‌کنند؛ در حالی که جمعیت شیعیان بنگلادش فقط سی هزار نفر است.

غیر از اینها، بر اساس آنچه بنده در بنگلادش مشاهده کرده‌ام، نزدیک به بیست میلیون نفر از جمعیت صد و شصت میلیونی بنگلادش از محبان اهل بیت علیهم‌السلام هستند. اینها به امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام احترام خاصی می‌گذارند و به ائمه اطهار علیهم‌السلام توسل می‌کنند. از میان این بیست میلیون نفر نزدیک به ده میلیون نفر دوازده امامی هستند؛ یعنی شجره‌نامه‌شان دوازده امامی است و اکثر این افراد هم برای خودشان حسینیه دارند و بزرگ‌ترین هیأت عاشورا در کل بنگلادش وابسته به این جریان‌ها است. من فیلمی در لب تابم هست که مربوط به یکی از مراسم‌های این هیأت است که در آن دویست، سیصد هزار نفر سینه زن حضور دارند که سینه می‌زنند، نوحه‌خوانی می‌کنند و «یا حسین»، «یا حسین» می‌گویند. این‌طور زمینه‌ها در بنگلادش فراوان است. رهبر معظم انقلاب وقتی می‌خواستند آقای شاهرودی را به عنوان نماینده‌شان در بنگلادش منصوب کنند، به ایشان گفتند که بنگلادش دریایی است که امواج خروشان دارد. من آن موقع منظور ایشان را نفهمیدم، ولی

در پنج، شش سال اخیر که با این جریان‌ها ارتباط برقرار کردم و دیدم که وقتی به آنها بگویید «یا حسین»، اشک از چشمان‌شان سرازیر می‌شود، مفهوم این عبارت را درک کردم.

این جریان‌ها همان جریان‌های خروشان‌انی هستند که در دل این بندگان خداست که مقام معظم رهبری دیده‌اند. حال با توجه به این ظرفیت، وظیفه من خیلی سنگین و سنگین‌تر شده است. ما تقریباً پانزده سال قبل در بنگلادش اولین مؤسسه رسمی ثبت شده را تأسیس کردیم و فعالیت‌های خودمان را شروع کردیم. در قم هم انجمن طلاب بنگلادشی راه‌اندازی شده که بنده مسئولیت این انجمن را بر عهده دارم. این انجمن سه سال پیش در میان انجمن‌های طلاب خارجی در جامعه المصطفی، مقام سوم را کسب کرد. علاوه بر این، در قم برای تربیت خانواده‌های این طلاب هر هفته جمعه‌ها برنامه داریم. در بنگلادش هم در عرصه فرهنگی - مذهبی مؤسسه ثبت شده داریم و نزدیک هشتاد درصد شیعیان بنگلادش با ما در ارتباط هستند و داریم کار می‌کنیم. ما از تمام کتاب‌های مذهبی که در گذشته در بنگلادش چاپ شده بود، فهرستی تهیه کردیم و لیستی از کتاب‌های مورد نیاز در ده سال آینده را هم تهیه کردیم و سلسله‌وار داریم این کتاب‌ها را ترجمه و چاپ می‌کنیم. ما در عرصه رسانه که تأثیرگذارترین رکن اجتماعی است، یک مؤسسه رسانه‌ای ثبت کردیم و سریال‌های مذهبی که در جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود را دوبله می‌کنیم؛ مثل سریال مریم مقدس که آن را دوبله کردیم و در یکی از شبکه‌های بنگلادش پخش شد. شاید برای شما جالب باشد که این سریال توانست بیشترین بیننده را در میان برنامه‌های سایر شبکه‌ها به خود اختصاص دهد. علاوه بر این، انجمنی تحت عنوان «انجمن مبلغین جعفری بنگلادش» راه‌اندازی کرده‌ایم که پدر من مسئول این انجمن است. ما از طریق این انجمن مبلغان دینی را دعوت و از آنها حمایت می‌کنیم.

یک طرح صالحین هم که در جمهوری اسلامی ایران شناخته شده است، راه انداختیم. ما قبلاً همایش‌های بزرگ در بنگلادش برگزار می‌کردیم و در مجالس روضه‌خوانی منبر می‌رفتیم، اما دیدیم که با این برنامه‌ها کادرسازی صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین، مشابه طرح صالحین را در بنگلادش به مدت شش ماه اجرا کردیم. ما نیروهای هسته اصلی را که همین مبلغین هستند، شناسایی و ارزیابی کردیم و برای ارتقاء سطح علمی‌شان به آنها آموزش دادیم. اینها را در قالب سه مرحله «علی اصغر»، «علی اکبر» و «ابوالفضل العباس»^{علیه السلام} پیاده کردیم.

هر کدام از این مبلغین بیست نفر نیروی خاص را تحت پوشش دارند. مجموعاً دویست نفر را در این طرح وارد کرده‌ایم و بهترین جریان فرهنگی که در کل بنگلادش می‌شود نام برد، همین مجموعه است که به ویژه در عرصه دانشجویی بسیار فعال است. در پایتخت یکی از قوی‌ترین جریان‌های دانشجویی را با محور پزشک‌هایی که در ایران بوده‌اند، راه‌اندازی کرده‌ایم که نامش «گروه امام رضا (ع)» است. این گروه هر سال چند مرتبه به مناطق روستایی می‌روند و برای درمان رایگان کمپ درست می‌کنند که تا به حال تأثیر خیلی زیادی داشته است.

حجت الاسلام علی اکبر براتی: لازم است در خصوص این ده میلیون نفری که فرمودند دوازده امامی هستند، توضیح دهم. اینها اهل سنتی هستند که دوازده امام ما را قبول دارند. بیست میلیون هم کسانی هستند که به هر صورت ائمه و اهل بیت (ع) را گرامی می‌دارند؛ البته همه آن صد و شصت میلیون اهل بیت (ع) را گرامی می‌دارند، ولی آن بیست میلیون کسانی هستند که مجالس عزای امام حسین (ع) را بر پا می‌کنند یا در نیمه شعبان جشن برگزار می‌کنند. یکی از برکات انقلاب اسلامی همین است که ما با طیف جدیدی از مسلمانان مواجهیم که به خودشان «شیعه» یا «سنی» نمی‌گویند، بلکه می‌گویند ما اهل بیتی هستیم.

یک سؤال هم از سوی دوستان مطرح شده که از شما بپرسیم. سؤال کرده‌اند که تأثیر منفی جریان‌های افراط‌گرای شیعی در کشورهای نظیر کشمیر و بنگلادش و اصولاً در جهان اسلام چیست؟ ببینید، این دوستانی که اینجا نشسته‌اند متولیان هیأت‌ها هستند. شما به عنوان آدم‌هایی که خارج از ایران دارید بار انقلاب اسلامی را جلو می‌برید، بفرمایید این دوستان چه کمکی می‌توانند به شما بکنند؟ چه کارهایی را باید انجام دهند و چه کارهایی را نباید بکنند؟

تأثیرات منفی جریان‌های افراط‌گرای شیعی در جهان اسلام

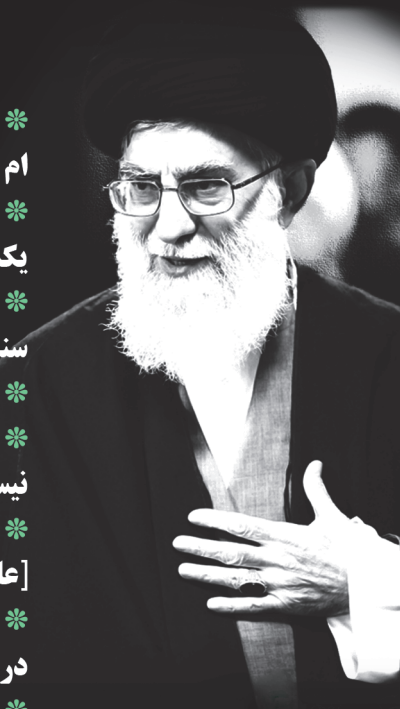
روح الله رضوی: من دوستی دارم که اهل الجزایر است و شیعه شده است. دو سال قبل، شب نهم ربیع ما در قم بودیم. قصه این مراسم‌های نهم ربیع که مطرح شد، پرسید که این قضیه نهم ربیع چیست. وقتی قضیه را برایش توضیح دادم، جمله‌ای به من گفت که هیچ وقت یادم نمی‌رود؛ گفت: «الحمد لله الذی عرفنا التشیع قبل الشیعه»؛ «خدا را شکر که قبل از این که من را با شیعه آشنا کند، با تشیع آشنا کرد!». خدا شاهد است که من این تعبیر را بارها از افرادی که شیعه شده‌اند، شنیده‌ام. آنها می‌گویند اگر می‌دانستیم چنین اتفاقاتی دارد می‌افتد، شاید هیچ وقت فکر این که شیعه شویم، به ذهن ما خطور نمی‌کرد. این واقعیتی است که متأسفانه بنده هر کجا رفتم، می‌بینم. من در این سه چهار سال اخیر به کشورهای مصر، سوریه، اردن و فلسطین سفر کرده‌ام. اتفاقاتی برای ما افتاده است که نشان می‌دهد این قبیل کارها چه اثرات منفی‌ای داشته و چه سدی در برابر نشر معارف اهل بیت (ع) به وجود آورده است. ولو این که در مقیاس کمی صورت گرفته باشد، اما چون پشتش ضریب رسانه‌ای قرار می‌گیرد، در سطح وسیعی منتشر می‌شود و دیگر نمی‌شود آن را جمع کرد. من یک بار در سوریه با دوستی سلفی که اهل بنگلادش بود و در انگلیس زندگی می‌کرد، برخورد کردم. نیم ساعت

برایش درباره شیعه صحبت کردم؛ نیم ساعت من را بوسید و گفت: باید از تو فیلم بگیرند و نشان بدهند که این حرف‌هایی که درباره شیعیان گفته می‌شود اصلاً صحیح نیست. حقیقت شیعه را کاملاً وارونه به ما نشان داده‌اند. برگردم به ابتدای عرایض و صحبت‌هایم را جمع کنم و آن این‌که اگر نگاه کنیم که این انقلاب چه ابعاد جهانی‌ای داشته و چه رسالت جهانی بر روی دوش تک تک ماها است و این‌که هر کاری شما در این کشور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انجام دهید، چه تأثیر مثبت یا منفی در ابعاد جهانی دارد، آن وقت نگاه‌مان نسبت به تک تک فعالیت‌ها و رفتارهای‌مان متفاوت خواهد شد و طور دیگر به آنها نگاه خواهیم کرد. چون آن وقت متوجه می‌شویم که هر حرف ما یک ضریب جهانی و میلیاردری دارد و واقعا هم شنونده دارد.

حجت الاسلام علی اکبر براتی: چندی پیش دوستان روسی ما بزرگان چند قبیله را به ایران آورده بودند تا با معارف شیعه آشنا شوند که در اثر همین امر داشتند به تصمیم‌گیری نزدیک می‌شدند. یک روز اینها را به حرم حضرت معصومه علیها السلام بردند؛ نزدیک ضریح که رسیدند یکی داد زد که بر فلانی لعنت و جماعت هم جواب دادند بیش باد! آنها از همان جا برگشتند و رفتند و از آن روز نقطه مقابل ما شدند. یعنی آنها از سنی‌هایی بودند که به اهل بیت علیهم السلام احترام می‌گذاشتند، ولی امروز فرزندان‌شان را برای عضویت در داعش می‌فرستند. برادران من! هیأت‌داران! هیأت ما هیأت داعش‌ساز نشود. امروز یکی از کسانی که بر داعش تأثیر دارد، ماها هستیم. ما که مراسم برگزار می‌کنیم و تصویر بزرگی از امام علیه السلام و مقام معظم رهبری پشت سرمان نصب می‌کنیم، ولی مداح و روحانی ما علیه مقدسات اهل سنت صحبت می‌کنند. من فیلمی دارم که نشان می‌دهد جمعی مانند جمع ما یک فیلم از امام و رهبری پخش می‌کنند که دارند درباره وحدت حرف می‌زنند و بلافاصله بعد از پخش آن فیلم، مداحی‌ای را پخش می‌کنند که به مقدسات اهل سنت توهین می‌کند و گفته می‌شود که اینها دروغگو هستند. خدا بگذرد از ماهایی که آبرویی که امام علیه السلام و مقام معظم رهبری قطره قطره جمع کرده‌اند، سیل‌وار از بین می‌بریم.

«حرام شرعی»

- * به یک گوینده به اصطلاح شیعی پول می دهند که در تلویزیون، به نام شیعه، ام المؤمنین عایشه را متهم کند، قذف کند، اهانت کند
- * خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر
- * آن کسی که ندای تفرقه بین شیعه و سنی را سر می دهد، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است
- * رفتار هر دو گروه حرام شرعی و خلاف قانون است
- * افرادی را هم از بین شیعیان می شناسیم که فقط مسئله شان مسئله نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند
- * اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام زنی به همسر پیامبر اسلام [عایشه] حرام است
- * آن تشیعی که از لندن و آمریکا بخواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمی خورد
- * هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هر یک از گروه های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است.



امام صادق علیه السلام می گوید:

به خدا سوگند جنگ ناصبی با ما سخت تر از مطالبی که بعضی به ما نسبت می دهند و ما راضی نیستیم، نیست. اگر از کسی شنیدید که دارد افشاگری می کند، سراغ او بروید و او را از این کار منع کنید. اگر پذیرفت و اگر نه او را تحت فشار افرادی که حرف شنوی از آنها دارد قرار دهید. چون گاهی شخص حاجتی دارد و آن قدر دنبال آن می رود و اصرار می کند تا بر آورده شود.

پس حاجت مرا هم بر آورده کنید
همانگونه که حاجت های خود را بر آورده می کنید.

اصول کافی جلد ۲ ص ۲۲۲ باب کتمان



کتابخانه دیجیتال و انتشارات



۰۲۵ ۳۳۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org